

بررسی مراتب مشارکتی بودن نمایندگی شورایاران؛ مقایسه دیدگاه شورایاران شورایاری محله یوسف آباد تهران با ذینفعان

بهاره مختاری^۱

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گرایش خط مشی گذاری عمومی دانشگاه تهران

علی اصغر پور عزت

استاد مدیریت دولتی، گرایش خط مشی گذاری عمومی دانشگاه تهران

آرین قلی پور

استاد مدیریت دولتی، گرایش منابع انسانی دانشگاه تهران

محمد ابویی اردکان

دانشیار مدیریت دولتی، گرایش خط مشی گذاری عمومی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۱۱)

چکیده

مشارکت از فرآیندهای شهروندی دموکراتیک به شمار می‌رود و طی دهه‌های اخیر در سیاست‌های شهری به موضوعی قابل توجه تبدیل شده است. مشارکت شهروندان در سطوح پایین‌تر حکومت محلی مانند نواحی و محلات شهر اهمیت بیشتری می‌یابد. این مقاله با مطالعه شورایاری یکی از محلات تهران، نمایندگی مشارکتی این نهاد را از چهار بعد "اطلاع رسانی"، "مشورتی"، "تصمیم‌گیری" و "اجرا" بررسی می‌کند. بدین منظور با ده نفر عضو شورایاری محله مصاحبه و از ۳۳۸ ذینفع محله پیمایش انجام شد. یافته‌ها حاکی از آن است که شورایاران، اطلاع‌رسانی و مشارکت دادن ذینفعان در تصمیم‌گیری‌های خود را ضعیف، مشارکت مشورتی را در حد متوسط و مشارکت ذینفعان در اجرا را در حد نسبتاً بالایی ارزیابی می‌کنند. اما پیمایش ذینفعان محله نشان داد که آن‌ها هر چهار بعد نمایندگی مشارکتی را پایین می‌پندارند. این یافته نیاز به تجدید نظر شورایاران در سیاست‌های مشارکتی خود را روشن می‌سازد.

واژگان کلیدی: نمایندگی مشارکتی، شورایاری، ذینفعان محله، ذینفعان فردی، ذینفعان گروهی، ذینفعان سازمانی.

مقدمه

نمایندگی، مفهومی مرتبط با دموکراسی است که یکی از ابعاد مهم آن نمایندگی مشارکتی است. نمایندگی مشارکتی بر مشارکت فعال رأی‌دهندگان در فعالیت‌های سازمان دلالت دارد و بر اهمیت مجاری ارتباطی و مشارکت میان سازمان و رأی‌دهندگان تاکید می‌کند (Guo and Musso, 2007: 315). با توجه به اینکه مشارکت در سطوح پایین‌تر حکمرانی موثرتر است، نمایندگی مشارکتی در سطح شورای محله اهمیت بیشتری می‌یابد و طی پنج دهه اخیر در سیاست‌های شهری در مورد آن بسیار بحث شده است. (Mohamed, 2006: 37) از این رو پژوهش حاضر، نمایندگی مشارکتی یکی از شوراهای محلات تهران را از دیدگاه شورایاران از یک سو و از دید شهروندان از سوی دیگر بررسی می‌کند تا از نتایج آن برای سیاستگذاری با هدف مشارکت بیشتر ذینفعان محله استفاده شود. در این مقاله ابتدا پیشینه نمایندگی مشارکتی مرور و سپس ذینفعان محله تعریف و انواع آن‌ها معرفی خواهند شد، پس از آن با ذکر روش شناسی به گزارش یافته‌ها و نتایج حاصل خواهیم پرداخت.

۱. نمایندگی مشارکتی

تشکیل شوراهای مردمی برای اثربخشی و کارایی مدیریت شهری لازم است. وجود این شوراها در سطوح پایین‌تر کارآمدتر است چنانکه تجربه دو دوره شوراها نشان داده است هر چه محدوده جغرافیایی شوراها کوچک‌تر بوده است، شوراها فوق‌العاده موفق عمل کرده‌اند (پیران، ۱۳۸۵، ۱۲) اما مهم آن است که جنبه‌های متفاوت نمایندگی این شوراها با دیدی همه جانبه و حساب شده پیش بینی شود، زیرا در غیر این صورت ممکن است در گیر مسائلی شوند که کارکردشان را به مخاطره بیندازد. نمایندگان معمولاً در فاصله بین دو انتخابات، کمتر به اندیشه‌ها و دیدگاه‌های شهروندان به صورت ورودی در سیستم تصمیم‌گیری خود توجه می‌کنند. در ضمن، نظام‌های انتخاباتی اغلب زنان، اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر را به حاشیه می‌رانند. برخی نمایندگان نیز ممکن است هیچ تلاشی برای مشورت با مردم نکرده، بیشتر به دنبال منافع شخصی باشند (Devas and Grant, 2003: 308). «کنان» می‌گوید سطح دموکراسی در سازمان‌هایی که محله را نمایندگی می‌کنند قابل تأمل است و «قانون آهنین الیگارشی» در مورد آن‌ها مصداق دارد (Cnaan, 1991: 614).

با توجه به این موارد، برای اثربخش ساختن نمایندگی می‌بایست ابعاد گوناگونی مد نظر قرار گیرند تا از بروز این مسائل جلوگیری به عمل آید. پیتکین (۱۹۶۷) نمایندگی را دارای چهار بعد دانسته است که بدین ترتیب قابل تعریف هستند: ۱. نمایندگی رسمی، بر ترتیباتی دلالت

دارد که روش انتخاب نماینده را معین می‌کند (Peterson, 1970: 491). ۲. نمایندگی ماهیتی، حاکی از اندازه‌ای است که ترجیحات عموم در خطمشی‌های وضع شده از سوی مقامات انتخاب شده، انعکاس می‌یابند (Smith, Olson and Fine, 2008: 68). ۳. نمایندگی توصیفی نیز دال بر آن است که نمایندگان، مینیاتور مردم در سطح گسترده محسوب می‌شوند و ویژگی‌های (سیاسی مرتبط) حوزه انتخابی خود را انعکاس می‌دهند (Pitkin, 1967: 60). ۴. در نمایندگی نمادین، نماینده به منزله نماد هویت یا نماد ویژگی‌های طبقه‌ای از افراد (رأی دهندگان) مد نظر قرار می‌گیرد (Birch, 1971: 17) و به گونه‌ای ناملموس در قالب مراتب اعتماد و مشروعیت سازمان در نظر رأی دهندگان تبلور پیدا می‌کند (Guo and Musso, 2007: 311-313).

«گو» و «موسو» علاوه بر چهار نمایندگی رسمی، ماهیتی، توصیفی و نمادین، بعد نمایندگی مشارکتی را نیز در نظر گرفته‌اند. مجموعه این پنج بعد «آمیخته نمایندگی» ۱ قلمداد می‌شود. آن‌ها دو جنبه مشروعیت ۲ و ظرفیت ۳ نمایندگی را مد نظر قرار داده، بر آنند که نمایندگی ماهیتی و نمادین، نتیجه مشروعیت و نمایندگی توصیفی، رسمی و مشارکتی، درونداد ظرفیت سازمان‌ها برای نیل به نمایندگی ماهیتی و نمادین هستند (Guo and Musso, 2007: 308-309). تمرکز نوشتار حاضر، بر نمایندگی مشارکتی است.

به نظر برخی اندیشمندان، نمایندگی به جای خدمت به دموکراسی، جایگزین آن شده است؛ یعنی نمایندگان به تدریج برگزیدگانی تغییر ناپذیر شده‌اند که بر توده‌های منفعل مردم حکومت می‌کنند و آن‌ها را اداره می‌نمایند. به قول هانا آرنت؛ در حقیقت «حکومت نمایندگی، حکومتی الیگارشیک شده است.» (Pitkin, 2004: 335-340).

ژان ژاک روسو، پدر دموکراسی مشارکتی، اعتقاد داشت که آزادی سیاسی فقط در کشورهایی وجود دارد که برای گرد هم آمدن همه شهروندان، به اندازه کافی کوچک باشد (Birch, 1971: 31-35) «روسو» حکومت عمومی را با حکومت نمایندگی سازگار نمی‌دانست و بر آن بود که «از لحظه‌ای که فردی اجازه می‌دهد نمایندگی شود دیگر آزاد نیست.» (Reimer, 1967: 6). ولی هانا آرنت عقیده دارد که دموکراسی هنوز شکست نخورده است و هرگاه سیستم نمایندگی بزرگ مقیاس، متمرکز و بر پایه دموکراسی مستقیم ملموس مشارکتی و پرشور در سطح محلی باشد، نمایندگی دموکراتیک هنوز ممکن است (Pitkin, 2004: 340). حتی می‌توان گفت که دموکراسی مستقیم محلی، زیربنای دموکراسی نمایندگی است (Pitkin, 2004: 340-341). کنان دموکراسی را مفهومی دو بعدی و متشکل از نمایندگی و مشارکت

1- representational mix

2- legitimacy

3- capacity

4- Hannah Arendt

5- Jean-Jacques Rousseau

می‌داند (Cnaan, 1991: 617) و اوربیناتی بر آن است که مشارکت و نمایندگی، انواع مکمل شهروندی هستند (Urbinati and Warren, 2008: 387).

در واکنش به نارسایی‌های دموکراسی نمایندگی در حکومت‌های محلی، دو سطح سیاستگذاری مطرح می‌شوند؛ یکی با تاکید بیشتر بر اصلاحات نهادی سیستم نمایندگی دموکراسی محلی (با هدف شفاف‌تر کردن فراگردهای تصمیم‌گیری در میان مقامات محلی و پاسخگوتر ساختن آن‌ها) و دیگری با تمرکز بر نقش شهروندان فعال (به منزله مشارکت کنندگان در خطمشی‌های ارائه خدمات محلی). این تاکید جدید بر اشکال دموکراسی مشارکتی (مانند گردهمایی‌های مناطق) و فراگردهای آن‌ها (مانند برنامه ریزی محلی)، موجب تشویق شهروندان به پذیرش نقش فعال در شیوه‌ای که اداره می‌شوند، می‌گردد (Raco & Flint, 2001: 586). بدین ترتیب، مفهوم مشارکت طی پنج دهه اخیر در سیاست‌های شهری بیشتر مطرح شده است اما باید توجه داشت که مشارکت، خود قدمتی به اندازه دموکراسی دارد. در واقع این مفهوم در زمان دولت-شهرهای یونان ظهور کرده است که در آنجا هر شهروند اجازه داشت در تصمیم‌گیری مشارکت نماید (Mohamed, 2006: 37). مشارکت بر درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی دلالت دارد و آنان را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند، در مسئولیت کار شریک شوند (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۵) و بر تصمیماتی که بر آن‌ها تأثیر دارد، اعمال کنترل کنند.

مشارکت شفافیت را افزایش می‌دهد و نقاط ضعف در پاسخگویی افقی و عمودی درون دولت و میان دولت و شهروندان را آشکار می‌سازد. (Devas & Grant, 2003: 309-310) به ویژه در جهان در حال توسعه، مشارکت موجب توانمند سازی شهروندان، تحکیم دموکراسی‌های آسیب پذیر، بهبود کیفیت حکمرانی و مقابله با نفوذ گروه‌های قدرتمند و سازمان یافته می‌شود (Heller et al, 2007: 627). با مشارکت فعال در زندگی سیاسی محلی، مردم معنای واقعی شهروندی را می‌آموزند و با دیدن خود در عمل جمعی، قدرت خود و قدرت مشترکشان را در می‌یابند. افراد با این تجربه چهره به چهره، می‌توانند شهروندان دموکراتیک و اثربخشی در ارتباط با نمایندگان ملی خود باشند. در واقع بحث مشارکت در سطوح پایین‌تر اهمیت بیشتری می‌یابد. سازمان‌های نماینده محله ۲، راهی برای تحقق دموکراسی مشارکتی در سطوح پایین‌تر جوامعند. مفهوم دموکراسی مشارکتی بر اندازه‌ای دلالت دارد که یک سازمان به روی ساکنان باز است و آن‌ها را به کار می‌گیرد (Cnaan, 1991: 616). به گفته «گو» و «موسو»، نمایندگی مشارکتی شامل مشارکت فعال رأی دهندگان در فعالیت‌های

1- community planning

2- Neighborhood Representing Organizations

سازمان است و بر اهمیت مجاری ارتباطی و مشارکت میان سازمان و رأی دهندگان، به منظور تضمین پذیرا بودن سازمان به روی درخواست‌های آنان تاکید دارد (Guo and Musso, 2007: 315).

«گرین» و «هانتون کلارک» در مقاله خود درباره گونه‌شناسی مشارکت ذینفعان با مرور پیشینه نظری توانسته‌اند کلیه مراحل مطرح شده مشارکت توسط نویسندگان پیشین را به سه دسته تقلیل دهند که در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است. آن‌ها سه سطح مشارکت پیشنهادی خود را برای سازمان‌ها و شرکت‌ها به صورت زیر تشریح نموده‌اند:

- مشارکت اطلاع رسانی: فراگردهایی که شامل انتقال اطلاعات از یک موجودیت به دیگری می‌شوند. نقش ذینفع در این سطح دریافت پیام است و مشارکت حالت انفعالی دارد.
- مشارکت مشورتی: در این سطح، دیدگاه‌ها و آراء ذینفعان درباره یک موضوع یا برنامه‌های سازمان، عمیق‌تر از حالت اول پرسیده می‌شود. ذینفعان می‌توانند بر پروژه یا برنامه تأثیر بگذارند، اما این تأثیر محدود است چنانکه ممکن است تصمیمات کلیدی قبلاً اخذ شده باشند.
- مشارکت در تصمیم‌گیری: در این سطح، ذینفعان در فراگرد تصمیم‌گیری مشارکت می‌کنند. در این حالت ممکن است سازمان‌ها از همان ابتدای پروژه‌ها و برنامه‌های خود با ذینفعان تعامل داشته باشند و آنان را دخیل کنند (Green and Hunton-Clark, 2003: 215-216).

اگر چه این سطوح مشارکت برای شرکت‌ها مطرح شده‌اند اما می‌توان آن‌ها را برای نهادهای عمومی همچون شورایاری نیز به کار برد. علاوه بر این سه سطح، پژوهشگران بر آنند که، برای سازمان‌های عمومی مانند شورای محله، می‌توان مشارکت در اجرا را هم در نظر گرفت. در این حالت ذینفعان در اجرای برنامه‌های محله توسط سازمان، مشارکت می‌کنند. بدین ترتیب در این پژوهش، چهار سطح مشارکت از اطلاع رسانی تا اجرا مد نظر قرار می‌گیرد.

بررسی «کنان» در چند سازمان نماینده محله، دال بر آن است که گرایش ساکنان به مشارکت در امور محله بسیار پایین بوده است (Cnaan, 1991: 621). «گو» و «موسو» (۲۰۰۷) نیز در مقاله خود شوراهای محلات لوس‌آنجلس را بررسی کرده‌اند که از سال ۱۹۹۹، تقریباً هم‌زمان با تشکیل شورایاری‌ها در ایران، شکل گرفتند. این شوراها از نظر ترتیبات داخلی برای نمایندگی مشارکتی بسیار متفاوت هستند. برخی از آن‌ها ساختارهای نفوذپذیرتری دارند و به

عموم مردم اجازه می‌دهند که در کمیته‌ها شرکت کنند. در مقابل، برخی عضویت در کمیته‌ها را محدود به اعضای هیئت مدیره و زمان صحبت در جلسات عمومی را نیز محدود می‌کنند.

جدول ۱- نوع شناسی مشارکت (Green, and Hunton-Clarke, 2003: 294)

اجتماع					مدیریت ریسک	شرکت
<i>Arnstein (1969)</i>	<i>Dorcey et al. (1994)</i>	<i>Wilcox (1994)</i>	<i>Pretty & Shah (1994)</i>	<i>UNDP (1997)</i>	<i>Fischhoff (1998)</i>	
کنترل شهروند	درگیری مستمر	حمایت	بسیج کردن خود	مدیریت خود	تمامی موارد پایین	تصمیم گیری
قدرت تفویض شده	جستجوی اجماع	اقدام کردن با یکدیگر	مشارکت تعاملی	شراکت	آن‌ها را شریک خود کنیم.	
شراکت	آزمون ایده‌ها، جستجوی مشورت		مشارکت وظیفه‌ای	سهیم شدن در ریسک	با آن‌ها خوب رفتار کنیم.	
جایگذاری	تعریف موضوعات	تصمیم گیری با یکدیگر	مشارکت به وسیله مشورت	تصمیم گیری	به آن‌ها نشان دهیم که برای آن‌ها معامله خوبی است.	مشورتی
مشاوره	مشورت در مورد واکنش‌ها		مشارکت به وسیله دادن اطلاعات	اجماع سازی	به آن‌ها نشان دهیم که در گذشته نیز خطرات مشابهی را قبول کرده‌اند.	
آگاهی بخشی	گرد آوری دیدگاه‌های اطلاعاتی	مشورت	مشارکت منفعل	مشورت	منظورمان را با اعداد و ارقام به آنان توضیح دهیم.	اطلاع رسانی
تراپی (درمان)	آموزش			اطلاعات	به آن‌ها اعداد و ارقام را بگوییم.	
دست‌کاری	آگاهی بخشی			دست‌کاری	اعداد صحیح و مناسب را بدست آوریم.	

در ایران یکی از پژوهش‌های مرتبط درباره نمایندگی مشارکتی شوراییاران توسط شادمانفر (۱۳۸۷) با عنوان «بررسی تأثیر اجرای الگوی مشارکتی شوراییاری محلات در شهر تهران بر مشارکت شهروندان تهرانی با مدیریت شهری» انجام گرفته است. این پژوهش ضمن مطالعه تأثیر شکل‌گیری و آغاز به کار شوراییاری‌ها بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، تا حدی بعد نمایندگی مشارکتی شوراییاری‌ها را نیز سنجیده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آنند

که مردم کمتر نهاد شورایاری را می‌شناسند و از آن‌ها اطلاع چندانی ندارند. بیش از ۶۰ درصد شهروندان چیزی در مورد شورایاران نمی‌دانستند. فقط ۱۷ درصد شهروندان اعضای شورایاری محله خود را می‌شناسند. ۳۹ درصد اصلاً از فعالیت‌های شورایاری محله خود اطلاعی نداشتند. نیز ۶۹ درصد شهروندان تا به حال برای پیگیری امور محله به شورایاری یا یکی از اعضای آن مراجعه نکرده بودند که همه حکایت از ضعف نمایندگی مشارکتی شورایاری‌ها دارد. از آنجا که مشارکت در ارتباط با ذینفعان یک نهاد یا سازمان مطرح می‌شود در بخش بعدی مرور مختصری بر مفهوم ذینفع خواهیم داشت و سپس به تشریح روش تحقیق خواهیم پرداخت.

۲. ذینفعان

نظریه ذینفعان بیشتر یک نظریه هنجاری سازمانی است که بیان می‌کند توجه مدیریت به همه منافع ذینفعان، در موفقیت شرکت اهمیت اساسی دارد. بر اساس این نظریه، منافع همه ذینفعان ارزش ذاتی دارد و منافع هیچ یک از آن‌ها بر سایرین غلبه ندارد (LeRoux, 2009: 4). توجه به ذینفعان علاوه بر شرکت‌ها، برای نهادهای عمومی نیز حائز اهمیت است. با وجود اینکه مدیریت ذینفعان توجه زیادی را در پیشینه علمی به خود جلب کرده است اما در عمل شناسایی واقعی ذینفعان هنوز حل نشده است (Achterkamp and Vos, 2007; Phillips, 1997: 51). بنا بر تعریف «فری من» (۱۹۸۴) ذینفع، هر فرد یا گروهی است که می‌تواند بر تحقق اهداف سازمان تأثیر بگذارد یا از آن تأثیر بپذیرد (Friedman and Mason, 2004: 238). همچنین بر اساس یک دسته‌بندی دیگر ذینفع، فرد، گروه و سازمان‌هایی هستند که نفع یا تو آن تأثیر در یک پروژه، هدایت خطمشی یا اقدامات و تعیین اهداف یک سازمان را دارند (Brugha and Varvasovszky, 2000: 239)؛ آن‌ها می‌توانند شامل افراد، سازمان‌ها یا شبکه‌هایی از افراد و سازمان‌ها باشند؛ بازیگرانی که در موضوع مورد نظر منفعت دارند، از آن تأثیر می‌پذیرند یا در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرا تأثیر فعال یا غیر فعال دارند یا می‌توانند داشته باشند (Varvasovszky and Brugha, 2000: 341). «ادلونبوس» می‌گوید ذینفعان، شهروندان سازمان یافته یا سازمان نیافته، بخش‌های خصوصی و سازمان‌های اجتماعی را در بر می‌گیرند (Edelenbos and Klijn, 2006: 428). در تعریفی دیگر، ذینفعان کسانی در نظر گرفته شده‌اند که سازمان در قبال رفاهشان به گونه قابل ملاحظه‌ای مسئول است و یا از آن مطالبه قانونی یا اخلاقی دارند (Mitchell, Agle and Wood, 1997: 858).

از آنجا که سازمان‌های غیر انتفاعی سهامدار ندارند، نظریه ذینفعان به ندرت درباره سازمان‌های غیرانتفاعی به کار برده شده است (Abzug and Webb 1999 quoted in LeRoux,

5) 2009. بنا بر این اتخاذ رویکرد ذینفع برای شورای محله، رویکردی نوین به حساب می‌آید و ذینفعان نهاد شوراییاری نیاز به تعریف و دسته‌بندی دارند.

بر اساس طرح سیستم شوراهای محلات سطح شهر ۱ لوس آنجلس، ذینفع محله هر فردی است که در محله زندگی می‌کند، کار می‌کند یا در آن مالک دارایی است (Musso et. al., 2002: 2) به گونه‌ای که تغییرات در محله بر زندگی او تأثیر می‌گذارد. اما چنانچه پیش‌تر گفته شد، ذینفع فقط در سطح فردی مطرح نمی‌شود.

ذینفعان شوراییاری در این پژوهش، در نهایت در سه بخش فردی، گروهی و سازمانی به صورت زیر در نظر گرفته شدند:

- ذینفعان فردی: افراد یا شهروندان سازمان نیافته (که «چاسکین» ۲ (۲۰۰۳) آن‌ها را گروه‌های جمعیتی نامیده است) مشتمل بر ساکنان یک محله (مالکان و مستأجران)، زنان، جوانان، سالمندان، معلولین، قومیت‌ها یا اقلیت‌های مذهبی‌اند؛ این افراد بر اساس سه ویژگی سکونت، کار کردن یا داشتن مستغلات در محله قابل تقسیم بندی هستند که «گو» و «موسو» (۲۰۰۷) آن را وضعیت کارکردی ذینفعان می‌نامند.
- ذینفعان گروهی: گروه‌های اجتماعی که به طور موقت یا دائم در سطح محله فعالیت می‌کنند، ذینفعان گروهی نامیده می‌شوند. در محله یوسف آباد کانون جوانان و کانون فرزندان ذینفع گروهی تلقی می‌شوند.
- ذینفعان سازمانی بر دو دسته‌اند:
 - سازمان‌های محله‌ای که دامنه فعالیت آن‌ها محدود به محله است؛ نظیر مدارس، مساجد، کتابخانه‌ها و باشگاه‌های ورزشی.
 - سازمان‌های فرا محله‌ای که دامنه فعالیت آن‌ها فرا تر از محله است؛ نظیر فرهنگسراها، بیمارستان‌ها، کلانتری‌ها و شهرداری منطقه و ناحیه.

۳. روش تحقیق

این پژوهش در شمار مطالعات توصیفی قرار می‌گیرد و بررسی میزان تحقق نمایندگی مشارکتی شوراییاری محله یوسف آباد تهران را مد نظر دارد. روش مورد استفاده پژوهش پیمایش است و برای گردآوری اطلاعات لازم از مصاحبه و پرسشنامه بهره گرفته است؛ بدین منظور ابتدا مصاحبه‌هایی نیمه ساختار یافته برای سنجش چهار بعد اطلاع رسانی، مشورتی، تصمیم‌گیری و اجرا از مشارکت تنظیم شد و به منظور سنجش روایی صوری و روایی

1- Plan for a Citywide System of NCs

2- Chaskin

محتوای سوالات طراحی شده، از آراء صاحب نظران رشته استفاده و پیشنهادات آن‌ها اعمال گردید. این سوالات از ده نفر شورایار محله پرسیده شد. علاوه بر شورایاران، مصاحبه‌هایی با مسئولین کانون جوانان و فرزندان و گفتگوهای کوتاهی برای گردآوری اطلاعات مورد نظر با برخی مدیران سازمان‌های محله انجام گرفت. جدول زیر سوالات مصاحبه‌ها را در هر یک از سطوح نمایندگی مشارکتی نشان می‌دهد.

جدول ۲- سوالات مصاحبه‌ها در هر یک از سطوح نمایندگی مشارکتی

سوال	بعد مشارکت	
چه تعداد از اهالی محله از برنامه‌های شورایاری پیش از اجرا اطلاع دارند؟ چه تعداد اهالی محله از تصمیمات شورایاری درباره امور محله پیش از اجرا اطلاع دارند؟ چه تعداد از اهالی محله با کانون‌های محله خود آشنایی دارند؟	اطلاع رسانی	۱
چه تعدادی از اهالی مشکلات و مسائل محله را با شورایاری در میان می‌گذارند؟ چه تعدادی از اهالی برای پرداختن به مشکلات محله، راه حل‌ها و پیشنهادات را با شورایاری در میان می‌گذارند؟	مشورتی	۲
چه تعداد جلسات عمومی برای تصمیم‌گیری جمعی درباره یک موضوع در محله برگزار شده است؟	تصمیم‌گیری	۳
چه تعداد اهالی محله در برنامه‌های شورایاری حضور می‌یابند؟ چه تعدادی از اهالی در اجرا و برگزاری برنامه‌های شورایاری به آنان کمک می‌کنند؟	اجرا	۴

پس از اتمام مصاحبه با شورایاران، با انجام برخی اصلاحات در سوالات مصاحبه‌ها، پرسشنامه‌ای تنظیم و از ذینفعان محله به روش تصادفی ساده نمونه‌گیری شد و ۳۳۸ نفر از ذینفعان پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. برای بررسی پایایی ابزار از آلفای کرونباخ استفاده شد که برابر ۰.۸۵۴ و نشان دهنده پایایی بالای سوالات است.

۱۶۲ نفر از پاسخ دهندگان زن و ۱۷۸ نفر مرد هستند و میانگین سنی آن‌ها ۳۶ سال است. ۶۳/۳ درصد ذینفعان در محله ساکن هستند، ۴۶/۶ درصد ذینفعان در محله صاحب خانه یا مغازه یا سرفق‌لی هستند و محل کار ۵۴/۳ درصد از آن‌ها در محله است. ۴۴ نفر در یکی از کانون‌ها عضویت دارند و ۲۰۵ نفر نیز در سازمان‌های واقع در محله کار می‌کنند. در جداول ۳ و ۲ درصد پاسخ دهندگان متعلق به دسته ذینفعان گروهی و سازمانی آمده است.

جدول ۳- ذینفعان گروهی

ذینفعان گروهی	درصد
کانون فرزندانگان	۰.۰۹
کانون جوانان	۰.۰۶
ذینفعانی که در کانون‌ها عضو نیستند	۰.۸۵

جدول ۴- ذینفعان سازمانی

ذینفعان سازمانی	مسجد	کنیسه	شهرداری	مدرسه	کلانتری	فرهنگسرا	کتابخانه
درصد	۳.۶	۴.۱	۶.۵	۳.۶	۳.۳	۳.۳	۲.۷
ذینفعان سازمانی	باشگاه ورزشی	بیمارستان	مغاز ه	بهزیستی	شرکت خصوصی	سازمان غیر دولتی	هیچ کدام
درصد	۳.۳	۳.۳	۱۶	۲.۷	۳	۴.۷	۴۰.۲

۴. یافته‌ها

در این بخش ابتدا یافته‌های حاصل از مصاحبه با شورایاران تشریح می‌گردد و سپس یافته‌های حاصل از پاسخ‌های ذینفعان به پرسشنامه بررسی خواهند شد.

۴-۱- اطلاع‌رسانی

به گفته شورایاران کسانی که به پارک شفق^۱ می‌آیند، تقریباً از فعالیت‌ها و برنامه‌های آتی آن‌ها باخبر هستند. اطلاع‌رسانی از طریق دو نفر از اعضای شورایاری و اعضای کانون فرزندانگان که برای ورزش صبحگاهی به پارک می‌آیند صورت می‌گیرد؛ ضمن اینکه گاهی پس از انجام ورزش، اعضای کانون فرزندانگان بروشور برنامه‌های بزرگ و مهم را بین سایر اعضا توزیع می‌کنند تا آن‌ها نیز به دوستان و آشنایانشان بدهند. بخشی از اطلاع‌رسانی نیز از طریق نصب بنر در پارک شفق یا میدان فرهنگ، یا از طریق فرهنگسرا یا ائمه‌جماعات و هیئت امنای

۱- پارک شفق بزرگترین پارک محله یوسف آباد است که فرهنگسرای شفق نیز در آن قرار دارد و به همین دلیل روزانه جمعیت زیادی از ساکنان و غیر ساکنان محله را به خود جذب می‌کند.

مساجد یا اعضای کانون‌ها (به ویژه کانون فرزنانگان) و گفتگوی شفاهی میان اهالی محله انجام می‌گیرد. علاوه بر این‌ها، سه کانون محله که در مجموع حدود ۱۲۰۰ عضو دارند و با خانواده‌هایشان نزدیک به ۵ هزار نفر می‌شوند، معمولاً از برنامه‌های شورایاری اطلاع دارند. اما برخی اعضا نیز بر آنند که کانون‌های محله در دوره پیش بیشتر فعال بودند و در این دوره از فعالیت آن‌ها در زمینه اطلاع‌رسانی کاسته شده است.

به هر حال، این سطح از اطلاع‌رسانی کافی نیست زیرا به گفته خود شورایاران: "اطلاع-رسانی آنقدر ضعیف است که گاهی مردمی را که در پارک نشسته‌اند جمع می‌کنند و به سالن اجتماعات فرهنگسرا می‌برند تا سالن پر شود." یا به گفته یکی از شورایاران: "خودم بعضی وقت‌ها که برنامه‌ای داریم، در جریان نیستم." به نظر آن‌ها مردم کمتر به برنامه‌های محله توجه نشان می‌دهند و بسیاری از مردم شورایاری را حتی نمی‌شناسند تا بخواهند از برنامه‌های آن با خبر باشند.

به گفته شورایاران اطلاع‌رسانی درباره تصمیمات شورایاری از طریق کانون‌های محله (به ویژه کانون فرزنانگان) و در مساجد توسط ائمه جماعات صورت می‌گیرد. اما عمدتاً افراد نزدیک به شورایاران و کسانی که با آنان ارتباط بیشتری دارند از تصمیمات آن‌ها مطلع هستند. برخی از اعضا نیز بر آنند که اطلاعات معمولاً فقط به کسانی داده می‌شود که در تصمیم‌گیری درباره موضوع، ذینفع اصلی هستند. برای مثال در تصمیم‌گیری درباره احداث بازار میوه و تره‌بار، به کسانی که خانه‌شان نزدیک آنجاست اطلاع داده و از آنان نظرخواهی می‌شود. برخی شورایاران وضع موجود را مطلوب می‌دانند: "درباره تصمیمات صحبتی نمی‌کنیم تا اینکه آن کار انجام شود." و "اگر قول بدهیم و نشود، شرمند مردم می‌شویم، برای همین پیش از اجرا [تصمیم شورایاری را] نمی‌گوییم."

به گفته شورایاران، اطلاع‌رسانی برای شناساندن کانون‌ها به اهالی محله کم بوده است. در جریان شناسایی اعضای کانون فرزنانگان به کمک یکی از اعضای فعال این کانون، پژوهشگران دریافتند که بسیاری از این افراد خود نمی‌دانستند که عضو کانون هستند و احساس تعلق چندانی بدان نداشتند. بنا بر این به نظر می‌رسد این کانون بیشتر جنبه رسمی داشته و بر اسم و صرف وجود آن در محله از سوی شورایاری تاکید می‌شود تا اینکه میان اعضای آن به خاطر عضویت در این کانون انسجام و پیوندی ایجاد شده باشد.

۴-۲- مشارکت مشورتی

به گفته دبیر شورایاری، اهالی محله درباره مشکلات خود در زمینه‌هایی چون فضای سبز، آب، برق، گاز، روشنایی خیابان‌ها، نظافت نهرها، آسفالت خیابان‌ها، مسائل زیباسازی، خدمات

شهری و عمران و یا حتی مشکلات خانوادگی، با آن‌ها مذاکره می‌کنند. همچنین، در جلسات ماهانه کانون‌های جوانان و فرزندان با دبیر شورایی، مشکلات با ایشان در میان گذاشته می‌شود. اما به عقیده یکی دیگر از اعضا، بسیاری از اهالی هنوز از موجودیت شورایی و شرح وظایف آن اطلاع ندارند و بیشتر کسانی که در نزدیکی پارک شفق ساکن هستند به آن‌ها مراجعه می‌کنند و آن هم برای ضرورت کار خودشان، مثلاً گرفتن تأییدیه سکونت در محله به منظور ثبت نام فرزندشان در مدرسه، نه اینکه بخواهند مشکلی عمومی در محله را به آنان انتقال دهند.

به گفته شوراییان، اهالی محله در زمینه‌های مختلف پیشنهادات خود را با شورایی در میان می‌گذارند از جمله تبدیل برخی کاربری‌های کنونی به مجتمع ورزشی، زیبا سازی و احداث آب نما در برخی مکان‌ها، ایجاد مراکز فرهنگی - آموزشی در مساجد، راه اندازی خط تاکسی در خیابان جهان آرا که برای رفت و آمد در آن وسیله نقلیه عمومی وجود ندارد و یا برای صرفه‌جویی در مصرف برق در عین حفظ امنیت (پیشنهاد روشن و خاموش بودن چراغ‌های خیابان‌ها در ساعات خاصی از شبانه روز).

همچنین، به گفته یکی از اعضا، برخی از افراد مرجع هستند که با تعداد زیادی از افرادی که در پارک می‌آیند ارتباط دارند، و به شوراییان نظرات اهالی درباره چگونگی بهبود بخشیدن به مسائل را اطلاع می‌دهند، اما به طور کلی شوراییان پیشنهاد راه‌حل‌ها از سوی اهالی را کم‌رنگ گزارش کرده‌اند.

۴-۳- مشارکت در تصمیم‌گیری

شوراییانی که مشارکت ذینفعان در فرآیند تصمیم‌گیری را در حد بالا گزارش کردند در توضیح گفته‌اند که معمولاً جلسات غیررسمی چند نفره با کسانی که درباره موضوع اطلاعات دارند یا ذینفع هستند تشکیل می‌شود. به طور کلی، تصور مثبتی از مشارکت در تصمیم‌گیری در شورایی وجود ندارد. به گفته یکی از اعضا "مردم نمی‌توانند جایی را برای احداث بازار میوه و تره‌بار به ما معرفی کنند، ما خودمان و شهرداری خودش می‌داند." از این رو به نظر می‌رسد شوراییان کمتر تمایل دارند که درباره موضوعات مهم به تصمیم‌گیری جمعی بپردازند.

۴-۴- اجرا

در خصوص حضور ذینفعان محله در برنامه‌های شورایی، به گفته شوراییان در مانور زلزله که با مشارکت شورایی در محله برگزار شد، تعداد زیادی از اهالی شرکت کرده بودند،

اما در جلساتی که از طرف شورایاری در فرهنگسرای شفق برگزار می‌شود کمتر شرکت می‌کنند. به عقیده یکی از اعضا، قشر محدود و خاصی در این جلسات شرکت می‌کنند که عمدتاً از بازنشستگان هستند.

همچنین، درباره کمک ذینفعان به شورایاری در اجرا و برگزاری برنامه‌های آنان، به گفته شورایاران در مراسم تعزیه خوانی سال گذشته که از طرف شهرداری، فرهنگسرا و شورایاری برگزار شد، حدود سه تا چهار هزار نفر شرکت کردند و اهالی محله از آن‌ها پذیرایی کردند یا کار مشابهی را در مراسم سوگواری سایر امامان علیهم‌السلام انجام می‌دهند. به علاوه، گاهی اهالی، شورایاری را از کمک‌های فکری و مشاوره خود بهره‌مند می‌کنند. مثلاً در جشن تقدیر از کسبه نمونه محله، آن دسته از کسبه را که به نظرشان نمونه می‌رسید به شورایاران معرفی و پیشنهاد کرده‌اند. در مانور زلزله نیز، افراد برای دیدن دوره آموزشی امداد داوطلب شدند و در اجرای مانور با یکدیگر تقسیم‌کار و همکاری کردند. به طوری که اکنون، محله ۶۰ امدادگر آموزش دیده دارد. همچنین، در اجرای مسابقات ورزشی، افرادی برای داوری مسابقات داوطلب می‌شوند. در گردهمایی دوچرخه‌سواری هم برخی مسئول نظم‌دادن به برنامه و حفظ امنیت شرکت‌کنندگان شدند.

به طور کلی، به نظر می‌رسد که شورایاران بعد اجرا را رضایت‌بخش ارزیابی می‌کنند. اما بدیهی است افرادی در برنامه‌های محله‌ای به شورایاری کمک می‌کنند که از این برنامه‌ها اطلاع داشته باشند و از آنجا که خود شورایاران بعد اطلاع‌رسانی را ضعیف ارزیابی کرده‌اند، مسلماً تعداد افرادی که در فعالیت‌های اجرایی مشارکت می‌کنند، قابل توجه نیست. با این حال، شورایاران از همین میزان مشارکت ذینفعان در اجرا راضی‌اند.

آنچنانکه از پاسخ‌های شورایاران بر می‌آید، اطلاع‌رسانی و مشارکت‌دادن ذینفعان در تصمیم‌گیری ضعیف، مشارکت مشورتی در حد متوسط و مشارکت ذینفعان در اجرا در حد نسبتاً بالایی ارزیابی شده است. حال، ارزیابی شورایاران در مورد نمایندگی مشارکتی را با ارزیابی ذینفعان مورد مقایسه قرار می‌دهیم.

بررسی پاسخ‌های ذینفعان در جدول ۵ نشان می‌دهد که به جز بعد تصمیم‌گیری، سایر ابعاد مشارکت با حد وسط، تفاوت معناداری داشته و در حد پایینی هستند. اما ذینفعان بعد مشارکت در تصمیم‌گیری را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. می‌توان گفت که این امر به دلیل تصور پر-ابهام آن‌ها از مفهوم پیچیده تصمیم‌گیری است و اینکه افراد مدل مطلوبی برای تصمیم‌گیری مشارکتی نمی‌شناسند.

جدول ۵- آزمون T ابعاد نمایندگی مشارکتی برای دسته‌های ذینفعان

دسته ذینفعان	بعد نمایندگی مشارکتی	Test Value = 3					
		T	df	Sig. (2- tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
						Lower	Upper
ذینفعان فردی	اطلاع رسانی	-62.775	305	0	-1.69232	-1.7454	- 1.6393
	مشورتی	-12.828	331	0	-0.83434	-0.9623	- 0.7064
	تصمیم گیری	-0.156	320	0.876	-0.009	-0.13	0.11
	اجرا	-18.385	325	0	-1.05521	-1.1681	- 0.9423
ذینفعان گروهی	اطلاع رسانی	-17.194	37	0	-1.43	-1.6	-1.26
	مشورتی	-1.695	41	0.098	-0.321	-0.7	0.06
	تصمیم گیری	1.911	40	0.063	0.293	-0.02	0.6
	اجرا	-4.229	42	0	-0.756	-1.12	-0.4
ذینفعان سازمانی	اطلاع رسانی	-46.054	181	0	-1.641	-1.71	-1.57
	مشورتی	-6.839	201	0	-0.597	-0.77	-0.42
	تصمیم گیری	1.715	194	0.088	0.133	-0.02	0.29
	اجرا	-12.033	197	0	-0.937	-1.09	-0.78

۵- بررسی وضعیت ذینفعان

۵-۱- ذینفعان گروهی

کانون جوانان دارای حدود ۳۰۰ عضو ۱۶ تا ۲۵ ساله است که ۱۰۰ نفر آن‌ها از محله یوسف‌آباد هستند. ۵ نفر اعضای اصلی آن هستند که عمده فعالیت‌ها را انجام می‌دهند. این کانون فقط با دبیر شورایی که مؤسس و رئیس آن است ارتباط دارد اما با سایر اعضای شورایی ارتباط خاصی ندارد: "شورایاران گاهی هیچ اطلاعی از برنامه‌ها و فعالیت‌های ما ندارند." کانون جوانان در برگزاری جشن‌ها و برنامه‌های شورایی، کارهای اجرایی را مانند پذیرایی از مدعوین، اجرای برنامه موسیقی، تئاتر و سایر برنامه‌های هنری... بر عهده می‌گیرند: "در جشن تقدیر از "کسبه منصف و خوش خلق محله"، اسامی کسبه نمونه را ما جمع‌آوری کردیم...".

بر اساس مشاهدات پژوهشگران، به استثنای سه تا پنج نفر عضو اصلی کانون جوانان، سایر اعضای کانون شناخت چندانی از شوراییاری ندارند. بنا بر این، شوراییاری از کمک یک شبکه اجتماعی در محله که همه اعضایش جو آن هستند و نیروی بالقوه بسیار موثری برای مشارکت (به ویژه در ابعاد اطلاع رسانی و اجرایی) به حساب می‌آیند، محروم است.

کانون فرزندانگان ۲۰۰ نفر عضو دارد که اکثراً بالای ۴۰ یا ۵۰ سال دارند. این کانون ۷ نفر عضو اصلی دارد که هفته‌ای یک‌بار در دفتر شوراییاری جلسه برگزار می‌کنند. دبیر کانون فرزندانگان در تشریح نحوه همکاری شوراییاری با این کانون بیان کرد که شوراییاری از طریق ارتباطات با شهرداری، برای تأمین هزینه برنامه‌ها یا امکانات (مانند ماشین برای توره‌های گردشگری، گرفتن سالن برای برگزاری برنامه‌های کانون یا تهیه کارت استخر نیم بها) واسطه می‌شود اما بنا بر گفته او، کانون فرزندانگان با شوراییاران ارتباط زیادی ندارد و فقط با دبیر آن‌ها (که رئیس کانون است) تعامل دارد.

دبیر کانون جوانان درباره رابطه دو کانون جوانان و فرزندانگان گفت که "در اطلاع رسانی برنامه‌ها [ی شوراییاری] بیشتر از کانون فرزندانگان کمک می‌گیریم... و در کارهای اجرایی برای برگزاری برنامه‌های کانون فرزندانگان، ما به آن‌ها کمک می‌کنیم و گاهی اجرای موسیقی و تئاتر نیز برای آن‌ها توسط اعضای ما انجام می‌گیرد."

آنچه که دبیر هر دو کانون بدان اذعان می‌داشتند این بود که آن‌ها با اعضا و کمیته‌های شوراییاری ارتباط خاصی ندارند و عمده تعامل آن‌ها با شوراییاری نیز از طریق دبیر انجام می‌گیرد. بنا بر این کمیته‌های شوراییاری از پتانسیل این کانون‌ها کمتر برای مشارکت دادن ذینفعان محله استفاده می‌کنند.

لازم به یاد آوری دوباره است که اعضای کانون فرزندانگان چندان تعلق خاطری به این کانون ندارند، بلکه صرف گرد هم آمدن در پارک و با هم بودن موجب ارتباط آن‌ها شده است. بنا بر این فعالیت زیادی هم در راستای کمک به شوراییاری انجام نمی‌دهند.

تحلیل واریانس حاکی از آن است که ابعاد نمایندگی مشارکتی در میان دو کانون با یکدیگر، تفاوت معناداری ندارند، اما اعضای کانون جوانان، نمایندگی مشارکتی را بیشتر از کسانی که عضو کانون‌ها نیستند می‌دانند در حالی که از نظر اعضای کانون فرزندانگان، نمایندگی مشارکتی، تفاوت معناداری با کسانی که عضو کانون‌ها نیستند، ندارد. این مورد نشانگر آن است که شوراییاری ارتباط بیشتری با کانون جوانان داشته و آنان را بیشتر از کانون فرزندانگان به مشارکت می‌گیرد.

۵-۲- ذینفعان سازمانی

طی گفتگو با مدیران ۹ مدرسه در محله، مدیر و معاون ۲ مدرسه‌ای که نزدیک به دفتر شورایی واقع بودند و یکی از اعضای شورایی، در انجمن اولیا و مربیان آنها عضویت داشت، شورایی را می‌شناختند. به گفته مدیر یکی از این مدارس، با مشارکت شورایی، از شهرداری چند نهال درخت گرفته شده و در مدرسه کاشته شده است، یا با هماهنگی شورایی، در فرهنگسرای شفق کلاس انشا برگزار شده است. اما مدیران مدارس دیگر محله که دورتر از دفتر شورایی قرار داشتند، اعضای شورایی را نمی‌شناختند و با آنها تعاملی هم نداشتند.

مساجد بیشتر در بعد اطلاع رسانی در فعالیتهای شورایی مشارکت می‌کنند. شورایی، برنامه‌های خود را از طریق ائمه جماعات به گوش اهالی محله می‌رساند، با این حال آشنایی که کمتر به مساجد می‌روند کمتر از فعالیتهای شورایی با خبر می‌شوند. شورایی با کتابخانه‌ها و باشگاه‌های ورزشی که پژوهشگران مورد بررسی قرار دادند نیز، ارتباط چندانی نداشت.

تعامل بیمارستان با شورایی برقرار و مستمر است. این مهم به ویژه در جلسات خانه-سلامت تقریباً هر ماه یک بار صورت می‌گیرد و شورایی در مواردی چون آسفالت و درخت کاری برای بهبود وضعیت بیمارستان کمک می‌کند. همچنین شورایی بیماران مستمند ساکن محله را به بیمارستان معرفی می‌کند تا برای آنها خدمات درمانی رایگان یا با تخفیف ارائه شود. به علاوه، گاهی جلسات آموزشی و مشاوره نیز توسط پزشکان برای اهالی محله در پارک شفق برگزار می‌گردد. طبق اظهارات رئیس فرهنگسرای شفق، سطح مشارکت این سازمان در حد اطلاع رسانی بود، و فرهنگسرا در برنامه‌های مشترک، بخش‌های عمده اجرایی برگزاری برنامه را بر عهده می‌گیرد. اما در ابعاد مشورتی و تصمیم‌گیری مشارکت کمی دارد.

همچنین در مورد کلانتری، به نظر می‌رسد که تعامل شورایی با این سازمان بیشتر جنبه رسمی دارد. برای مثال شورایی با برگزاری جشنی، از نیروی انتظامی و کلانتری محل تقدیر و تجلیل به عمل آورده بود، اما کمتر از مشارکت کلانتری استفاده می‌شود. در مورد شهرداری نیز، از آنجا که ذینفع طرف عرضه شورایی محسوب می‌شود، نقش آن بیشتر تأمین مالی و امکانات برای انجام فعالیتهای شورایی است.

با بررسی پرسشنامه‌ها و انجام تحلیل واریانس میان ذینفعان سازمانی، مشخص شد که نمایندگی مشارکتی کلانتری از همه سازمان‌های دیگر بالاتر و به ترتیب در بهزیستی، مغازه‌ها و فروشگاه‌ها و سپس در بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها از همه پایین‌تر است. شورایی مدتی با همکاری کلانتری در پارک شفق پلیس گمارده بود و به کمک کلانتری امنیت پارک را تا حد-

خوبی فراهم کرده بود که می‌تواند یکی از دلایل بالا بودن نمایندگی مشارکتی از دید کارمندان این سازمان باشد. علاوه بر این، ارتباطات غیر رسمی شورایاران با مسئولان کلاتری نیز می‌تواند بر ارزیابی آنان تأثیر گذار باشد. اما کارمندان بهزیستی نمایندگی مشارکتی شورایاری را پایین می‌پندارند و ارتباطی با شورایاران ندارند. این در حالی است که برخی از مراجعه-کنندگان به بهزیستی، افرادی دارای ناتوانی‌های جسمی هستند و در رفت و آمد خود به بهزیستی با مشکلاتی روبه‌رو هستند. همچنین، پایین بودن نمایندگی مشارکتی مغازه‌داران محله بسیار قابل تأمل است و می‌بایست از سوی شورایاری چاره‌ای برای رفع آن اندیشیده شود. به طور کلی، اغلب ذینفعان (۲۴٪) برای ارتباط با شورایاران بیشتر از تلفن استفاده می‌کنند، در درجه دوم به دفتر شورایاری مراجعه می‌کنند (۱۹٪) و پس از آن در جلسات عمومی شورایاری شرکت می‌کنند (۱۸٪). استفاده از پست الکترونیکی کمتر از سایر روش‌هاست (۱۰٪) در حالی که می‌توان از آن به بهترین نحو بهره برد.

۶- توصیه‌های سیاستی

یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که شورایاران تنها اطلاع‌رسانی و مشارکت دادن ذینفعان در تصمیم‌گیری‌های خود را ضعیف دانسته‌اند اما مشارکت مشورتی را در حد متوسط و مشارکت ذینفعان در اجرا را در حدی نسبتاً بالا ارزیابی می‌کنند. این در حالی است که از نظر ذینفعان هر چهار بعد نمایندگی مشارکتی ضعیف است؛ بنا بر این شورایاری می‌بایست در سیاست‌های خود در زمینه مشارکت تجدید نظر و اصلاحاتی به عمل آورد. به طور کلی، مشارکت اکثر ذینفعان در سطح اطلاع‌رسانی باقی مانده است که بیشتر با کمک مساجد صورت می‌گیرد و مشارکت در مشورت و تصمیم‌گیری هنوز به قدر کافی توسط شورایاری ترغیب و تقویت نشده است. برای تقویت بیشتر اطلاع‌رسانی و مشورت با ذینفعان می‌توان از کانون‌ها بهره بهتری جست. همچنین می‌توان وبلاگ شورایاری را فعال‌تر کرد و ذینفعان را ترغیب نمود تا مشکلات محله و راه‌حلی‌هایی را که به نظرشان می‌رسد، از طریق ایمیل با آنان در میان بگذارند. در بخش تصمیم‌گیری می‌توان پیشنهاد کرد که جلساتی در فرهنگسرای شفق برای تصمیم‌گیری درباره مسائل مهم محله (مانند تعیین مکان احداث بازار میوه و تره بار در مورد محله یوسف آباد) برگزار گردد تا در حضور و با مشارکت مستقیم ذینفعان درباره آن تصمیم‌گیری شود؛ حتی می‌توان در این جلسات موضوعات را به رای‌گیری نیز گذاشت.

به نظر می‌رسد شورایاری هنوز سیاست ذینفع-محور را در پیش نگرفته و تمامی ذینفعان خود را در محله شناسایی نکرده است و تقریباً جدا از بدنه محله و ذینفعان خود مشغول به

فعالیت می‌باشد. بنا بر این، هنوز موفق نشده از ظرفیت گروه‌های محلی خود (که در حکم شبکه‌های اجتماعی قدرتمندی برای افزایش مشارکت ذینفعان قابل توسعه‌اند) استفاده کند. کانون‌ها به منزله یک شبکه اجتماعی می‌توانند گسترش یابند و راهی برای جاری شدن دو سویه اطلاعات در شریان‌های محله باشند و زمینه مشورت با ذینفعان را فراهم سازند. این کانون‌های مردمی (به ویژه کانون جوانان)، در اجرای فعالیت‌های شورایی نیز می‌توانند بسیار موثر باشند، اما متأسفانه تعداد انگشت شماری از کانون جوانان و تعداد نسبتاً کمی از کانون فرزندان در اجرا، شورایی را یاری می‌کنند.

شبکه‌های مشابه اجتماعی مانند «گروه‌های کاری» مورد اشاره در اساس‌نامه شورایی‌ها، که مجرای ارتباط مستمر با ذینفعان محله هستند، در تهران تا به حال کمتر تشکیل شده‌اند. چنانکه پیران (۱۳۸۵) می‌گوید در طرح شورایی تهران تشکیل گروه‌های کار محله‌ای تصویب نشد و شورایی صرفاً به عنصری مشورتی تبدیل گردید. عدم شکل‌گیری گروه‌های داوطلبانه کار محله‌ای، شورایی را بی‌معنا می‌سازد و خطر تبدیل شوراییان به کارچاق‌کن‌های شهرداری‌ها را افزایش می‌دهد. گروه‌های داوطلبانه کار محله‌ای، سلول‌هایی مستقل‌اند که در درون شورایی‌ها که خود سلول‌های داوطلبانه محله‌اند، فعال می‌شوند. نادیده‌گرفتن این واقعیت، شورایی را بی‌معنا می‌سازد و ضمن ایجاد تقاضای کاذب در محله‌ها، درگیری درون محله‌ای را دامن می‌زند.

همچنین، انجام طرح «محله یاران» که اعضای خود شورایی محله یوسف آباد پیشنهاد دهنده آن بوده‌اند، می‌تواند در افزایش نمایندگی مشارکتی کارگر افتد. همچنان که «کنان» (۱۹۹۱) اشاره کرده است، به مرور زمان، سازمان‌های نماینده محله، بوروکراتیک‌تر می‌شوند و به سازمان‌های حرفه‌ای که با آن‌ها سر و کار دارند، نزدیک می‌شوند؛ جای تأسف است که نظام شورایی‌ها در شهر تهران نیز بوروکراتیک شده است و برای اجرای پیشنهاد «محله یار» می‌بایست تا تأیید و موافقت شورای شهر معطل بمانند. البته به جز بوروکراتیک شدن، شاید دلیل دیگر پایین بودن نمایندگی مشارکتی، عدم تمایل خود شوراییان به مشارکت دادن ذینفعان باشد. زیرا گر چه ساز و کارها و ساختارهایی برای ارتباط میان شورایی با ذینفعان وجود دارد، اما شوراییان کمتر از آن استقبال می‌کنند. از همین روی، چاسکین (۲۰۰۳) می‌گوید که بیشتر از فرم و ساختار، فرآیند است که به منزله کلید پشتیبانی از تصمیم‌گیری مشارکتی موثر می‌افتد... به نظر او، یک فرآیند برای اینکه موثر باشد باید در برگزیده ارتباط گسترده، مستمر و فعال بین سازمان و اجتماع باشد. ارتباطی که فراگیر و دو طرفه است، تعداد ساکنان هر چه بیشتری را در بر می‌گیرد، راه‌هایی برای مردم و سازمان فراهم می‌کند تا به تبادل اطلاعات بپردازند، اولویت‌ها را مشخص و اقدامات و پیشرفت را پیش کنند. او بر اساس

نتایج مطالعه خود، سازماندهی مشارکت را حائز اهمیت می‌شمارد که به نظر می‌رسد در شورایاری محله یوسف‌آباد بدان توجه کمتری می‌شود. به گفته او، تعیین اهداف قابل مدیریت و تعریف روشن نقش ساکنان (که البته بخشی از ذینفعان هستند) و پروژه‌های کوتاه‌مدت کوچک که موفقیت‌آمیز باشند، مشوق‌هایی برای مشارکت به شمار می‌روند. البته شورایاری یوسف‌آباد با برگزاری برخی برنامه‌های مشارکتی از جمله مانور زلزله گاهی توانسته است از عهده این مهم بر آید، اما لازم است که بدان استمرار بخشد. چنین سازماندهی، در صورتی که با رویکرد ذینفع-محور و با ملاحظه قوت‌ها و ضعف‌های هر دسته از ذینفعان انجام گیرد، اثربخشی مناسبی خواهد داشت.

فهرست منابع

الف - فارسی

۱. پیران، پرویز. ۱۳۸۵. شوراهای ایران: بودن، نبودن یا چگونه بودن. ماهنامه اطلاع‌رسانی، آموزشی و پژوهشی شوراهای، ش. ۲: ۱۰-۱۶.
۲. شادمانفر، رضا. ۱۳۸۷. "بررسی تأثیر اجرای الگوی مشارکتی شورایاری محلات در شهر تهران بر مشارکت شهروندان تهرانی با مدیریت شهری" پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات.

ب - انگلیسی

- 3- Achterkamp, Marjollein C, and Janita F.J. Vos. 2007. "Critically Identifying stakeholders: Evaluating Boundary Critique as a Vehicle for Stakeholder Identification". *Systems Research and Behavioral science*, 24: 3-14.
- 4- Birch, A. H. 1972. "Representation: Key Concepts in Political Science. London: Macmillan".
- 5- Brugha Ruairi, and Zsuzsa Varvasovszky. 2000. "Stakeholder Analysis: A Review". *Health Policy and Planning* 15(3): 239-246.
- 6- Cnaan, Ram A. 1991. "Neighborhood- representing Organizations: How Democratic Are They?" *The Social Service Review* 65 (4): 614-634.
- 7- Chaskin, Robert J. 2003. "Fostering Neighborhood Democracy: Legitimacy and Accountability within Loosely Coupled Systems. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*". 32: 161-189.
- 8- Devas, Nick and Ursula Grant .2003. "Local Government Decision-Making- Citizen Participation and Local Accountability: Some Evidence from Kenya and Uganda". *Public Administration and Development* 23(October): 307-316.
- 9- Edelenbos, Jurian, and Erik-Hans Klijn .2006. "Managing Stakeholder Involvement in Decision Making: A Comparative Analysis of Six Interactive Processes in the Netherlands". *Journal of Public Administration Research and Theory* 16(3): 417-446.
- 10- Friedman, Micheal T., and Daniel S. Mason. 2004. "A Stakeholder Approach to Understanding Economic Development Decision Making: Public Subsidies for Professional Sport Facilities". *Economic Development Quarterly* 18 (3): 236-254.
- 11- Green, Abigail Oxley, and Lynsey Hunton-Clarke. 2003. "A Typology of Stakeholder Participation for Company Environmental Decision-Making". *Business Strategy and the Environment* no.12:292-299.
- 12- Guo, Chao and Musso, Juliet A. 2007. "Representation in Nonprofit Voluntary Organizations: A Conceptual Framework". *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly* 36(2): 308-326.

- 13- Heller, Patrick, K.N. Harilal and Shubham Chaudhuri. 2007. "Building Local Democracy: Evaluating the Impact of Decentralization in Kerala", India. *World Development* 35(4): 626-648.
- 14- Mohamed, Slah Elzein. 2006. *From Ideas to Practice: "The Involvement of Informal Settlement Communities in Policy Making at City Level in South Africa"*. *South African Review of Sociology* 37(1): 35-47.
- 15- Mitchell, Ronald K., Bradley R. Agle, and Donna J. Wood. 1997. "Toward a Theory of Stakeholder Identification and Saliency: Defining the Principle of Who and What Really Counts". *The Academy of Management Review* 22(4): 853-885.
- 16- Musso, Juliet Ann, Alicia Kitsuse, Ivan Lincov, Micheal Sithole, and Terry L. Cooper. 2002. "Planning Neighbourhood Councils in Los Angeles: Self- Determination on a Shoestring, Neighbourhood Participation Project, School of Policy, Planning and Development", University of Southern California.
- 17- Peterson, Paul E. 1970. "Participation of the Poor in the Community Action Program". *The American Political Science Review* 64(2): 491-507.
- 18- Pitkin, Hanna Fenichel .2004. "Representation and Democracy: Uneasy Alliance". *Scandinavian Political Studies* 27 (3): 335-342.
- 19- Raco, Mike & John Flint. 2001. "Communities, Places and Institutional Relations: assessing the Role of Area-Based Community Representation in Local Governance". *Political Geography* 20: 585-612.
- 20- Reimer, Neal. 1967. "The Representative: Trustee? Delegate? Partisan? Politico? N.P. : D. C. Heath and Company".
- 21- Smith, Lauren Edwars, Laura R. Olson, and Jeffrey A. Fine. 2008. "Substantive Religious Representation in the U.S. Senate". *Political Research Quarterly* 63(1):68-82.
- 22- Urbinati, Nadia, and Mark E. Warren. 2008. "The Concept of Representation in Contemporary Democratic Theory". *Annual Rreview of Political Science* 11(June): 387-412.
- 23- Varvasovszky, Zsuzsa and Ruairi Brugha. 2000. *Stakeholder Analysis: A Review*". *Health Policy and Planning* 15(3): 338-345.